

جغرافیا و توسعه شماره ۴۲ بهار ۱۳۹۵

وصول مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۳۱

تأیید نهایی: ۱۳۹۴/۰۹/۲۳

صفحات: ۱۴۴-۱۲۷

واکاوی مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از دیدگاه زنان

مطالعه‌ی موردی: منطقه ۴ شهر اصفهان

ملیحه ایزدی^۱، دکتر جمال محمدی^۲، دکتر زهرا طاهری^۳، حسنیه شیرخانی^۴

چکیده

فضاهای عمومی از جمله متغیرهای مهمی است که بر رضایت شهروندان تأثیرگذار می‌باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی و شناخت عوامل و شاخص‌های مؤثر در ارتباط با مطلوبیت و رضایت از فضاهای عمومی با تأکید بر دیدگاه زنان می‌باشد که بر اساس یافته‌ها و نتایج یک بررسی پیمایشی از منطقه ۴ شهر اصفهان تهیه شده است و با استفاده از تکنیک شاخص ساز، شاخص‌هایی جهت سنجش میزان رضایت شهروندان محدوده‌ی مورد مطالعه برای زنان استخراج گردید. این پژوهش از لحاظ ماهیت و روش مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر اساس هدف از نوع کاربردی - توسعه‌ای می‌باشد. روش تحقیق ترکیبی از نوع میدانی و کتابخانه‌ای است و گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه و جامعه‌ی آماری را زنان بالای ۱۵ سال در فضاهای عمومی منطقه ۴ شهرداری اصفهان شامل می‌شود. با استفاده از روش تحلیل عاملی تعداد ۵ عامل از ۲۷ شاخص فوق استخراج گردید که همگی دارای مقادیر ویژه بالای ۱ بوده و جمعاً ۶۸/۵۰ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که مؤلفه‌های امنیت محیطی با ضریب همبستگی ۰/۸۷۶، ایمنی با ضریب ۰/۸۱۹، پاکیزگی محیط با ۰/۸۲۷، حس تعلق و وابستگی به مکان با ضریب ۰/۸۱۴ و زیبایی فضا ۰/۸۰۶ مؤثرترین عوامل در میزان رضایت‌مندی در فضاهای عمومی شهر از دیدگاه زنان می‌باشد و به عنوان مهمترین عوامل تأثیرگذار بر رضایت‌مندی شهروندان شناسایی شدند.

کلیدواژه‌ها: فضاهای عمومی شهری، زنان، رضایت‌مندی، برنامه‌ریزی شهری، منطقه ۴ شهرداری اصفهان.

m.izadi@geo.ui.ac.ir

j.mohammadi@geo.ui.ac.ir

ztaheri2007@gmail.com

shirkhanihosniyeh@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان - مدرس دانشگاه

۲- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان

۳- دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤل)

۴- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد نجف‌آباد

مقدمه

توسعه و ایجاد فضاهای عمومی مطلوب علاوه بر تأمین رفاه و آسایش شهروندان، نقش مؤثری در حفاظت محیط و توسعه پایدار از طریق سلسله مراتب طرح‌های مختلف و در نظر گرفتن نیازها و امکانات واقعی و مشارکت نیروهای مؤثر در تحقق آن ایفا می‌کند. بر این اساس، این فرآیند مستلزم رعایت جامع‌نگری، انعطاف‌پذیری و به کار گرفتن شاخص‌ها و معیارهای کمی و کیفی در پیش‌بینی و اولویت‌سنجی اراضی مورد نیاز و نحوه توزیع و ترکیب آنها میان کاربری‌های مختلف است. امروزه اکثر فضاهای شهری ماهیتی جنسیتی یافته‌اند، یعنی عملاً فضای شهری در برابر تحرک آزادانه زنان اعمال محدودیت می‌کند. زنان و بسیاری از اقشار و گروه‌های اجتماعی نه تنها از حق طبیعی خود، یعنی بهره‌مندی از فضاهای عمومی شهر محروم‌اند، بلکه به دنبال آن از سهمین شدن در فرآیند مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی نیز باز می‌مانند.

به عقیده بسیاری از محققان، محدودیت‌های فرهنگی ایجاد شده برای زنان در فضای اجتماعی و عرصه‌های عمومی باعث شده تا آنان نتوانند به خوبی از موقعیت خود بهره ببرند و نیز مجبور شوند خود را همچون یک عنصر غیرلازم از صورت مسأله‌ی فضاهای شهری و عرصه‌های عمومی حذف کنند و منکر نیازهای خود به عنوان یک زن شوند. فضاهای شهری آن جاذبه‌ای را که برای مردان دارند برای زنان ندارند، چرا که برای آنان با آسایش و امنیت کافی همراه نیست (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲۷). زنان به‌واسطه‌ی وظایف مراقبتی از کودکان سالمندان و غیره در ارتباط با فضای شهری قرار می‌گیرند و به عبارتی برای انجام فعالیت‌های اجباری در فضای شهر حضور می‌یابند. هرچند این امر لازم به نظر می‌رسد کافی نبوده و فضاهای شهری باید این‌مکان را نیز برای زنان فراهم آورد که به فعالیت‌های

انتخابی اجتماعی در فضای شهری قرار گیرند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۷: ۵۸). عدم توجه به نیازهای زنان در فضاهای شهری، مشارکت کامل آنان را در اجتماع محدود می‌کند و علاوه بر آسیب‌های روانی بر فرد، خانواده و جامعه را نیز متأثر خواهد کرد (Day, Stump & Carren, 2003: 311).

برنامه‌ریزان شهری معتقدند شهرها باید برای همه‌ی گروه‌های سنی و جنسی ساخته شوند و در ساخت آن‌ها تفاوت‌های سنی و جنسیتی مورد توجه قرار گیرد. در حالی که جامعه‌ی ما روز به روز بیش از گذشته شهری می‌شود، باید با تأکید بر جمعیت، سن و طبقه به نیازهای ملموس و محسوس شهروندان توجه کرد (Tabrizia & Madanipour, 2006: 935).

مطالعه و ارزیابی فضاهای عمومی شهر به عنوان یک ضرورت اساسی در برنامه‌ریزی‌های مدیریت و توسعه‌ی شهری مطرح است و حکایت از بازتولید این فضاها در تقویت وجه فرهنگی، اجتماعی و کالبدی شهر را دارد (پورمحمدی و کوشانه، ۱۳۹۰: ۳۷). زنان نیمی از جمعیت ساکن شهرها هستند و روند روزافزون حضور آنان در محیط‌های کار و فعالیت اجتماعی شهری سبب می‌شود تا در مکان‌یابی و طراحی و ساخت کالبد شهر، حضور گسترده‌ی این قشر در فضاها و عرصه‌های مختلف سکونت، کار، حمل و نقل و غیره مورد توجه قرار گیرد (Day, Stump & Carren, 2003: 311).

عمومی نقش بسیار مهمی در توسعه‌ی پایدار شهرها دارند و اهمیت آن در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و غیره در برنامه‌ریزی شهری است. در این راستا تأکید اصلی این پژوهش بر ارزیابی میزان رضایت‌مندی زنان از شاخص‌های مورد مطالعه در فضاهای عمومی شهری در منطقه‌ی ۴ شهر اصفهان می‌باشد به این منظور تلاش بر این است تا تصویری از موفقیت این شاخص‌ها ترسیم شود.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با مبحث این پژوهش تاکنون هیچ مطالعه‌ای در منطقه‌ی ۴ شهر اصفهان انجام نشده است. اما به صورت مستقل در مورد هر کدام از متغیرها، تحقیقاتی نگاشته شده که می‌توان به مباحثی پیرامون مسایل زنان و عرصه‌های عمومی اشاره نمود:

- مهسا سیفائی (۱۳۸۴) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان مطلوبیت سنجی فضاهای عمومی شهری جهت استفاده‌ی گروههای خاص (زنان) در الگوی برنامه‌ریزی مشارکتی با هدف پاسخ‌گویی به نیاز گروههای اجتماعی (گروه‌های سنی و جنسی خاص) استفاده کننده از فضاهای عمومی شهر با تلاش در جهت رسیدن به اصول انسانی مؤثر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برنامه‌های شهر، ضمن تعریف و تحلیل مفاهیمی همچون فضاهای شهری و عمومی، به بررسی محدودیت‌های زنان در استفاده از فضاهای عمومی پرداخته و با بررسی دقیق و همه‌جانبه‌ی (کالبدی و عملکردی) محدوده‌ی مورد مطالعه و با در نظر گرفتن شاخص‌هایی که به نوعی معرف عملکرد موفق فضاهای عمومی بوده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که در برنامه‌ریزی شهری برای دستیابی به محیط‌های شهری انسانی‌تر باید به حضور گروه‌های جنسی (زنان) به عنوان بخشی از گروه‌های خاص اجتماعی در فضاهای عمومی شهری توجه داشت تا عدالت جنسیتی برقرار شده و باز تولید فرهنگی شهری حاصل شود.

- راضیه رضازاده و مریم محمدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان؛ فضاهای شهری، زمینه‌ساز عدالت اجتماعی در مجله نهاد توسعه تهران به بررسی موانع و عوامل مشارکت زنان در فضاهای عمومی و چگونگی به وجود آمدن فضاهای عمومی جنسیتی و مشخص کردن عملکردهایی که به عدم مشمولیت زنان در فعالیت عمومی منجر می‌شوند می‌پردازد، سپس از دید جغرافیدانان فمینیسم به تحلیل محیط‌های مصنوع

(فضاهای شهری) که به دوگانگی میان فضاهای خانه و کار و فضاهای خصوصی و عمومی منجر شده‌اند پرداخته، سپس شاخص‌های پاسخ‌دهی محیط به حضور زنان (عدالت، کارآمدی، امنیت، پایداری، مسؤلیت‌پذیری مدنی و شهروندی) را بررسی نموده و حقوق زنان از نظر ظرفیت اقتصادی و حمل و نقل عمومی را مورد نقد و تحلیل قرار می‌دهد.

- مجتبی رفیعیان و زهرا خدایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ی خود تحت عنوان بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، سعی کرده‌اند که با شناسایی متغیرهای اثرگذار بر رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر آن را مورد ارزیابی و واکاوی قرار دهند. نتایج مطالعات نشان داد که سه متغیر دسترسی به خدمات، امنیت اجتماعی و هویت مکانی از اثرگذارترین عوامل در رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری هستند.

- در مقاله "زنان و احساس ناامنی در فضای شهری" از علیخواه و نجیبی ربیعی (۱۳۸۵)، یافته‌ها و نتایج آن حاکی از آن است که حدود ۴۸ درصد زنان در حد زیاد، ۳۳ درصد در حد متوسط و ۱۹ درصد در حد کم در فضاهای شهری نسبت به تهدید جرائم دچار ترس و واکنش هستند. به بیان دیگر حدود نیمی از زنان به هنگام تردد در شهر احساس امنیت ندارند. در بین زنان تحصیل‌کرده و دارای درآمد بالا، زنانی که در محله‌ی آنها ساختمان‌ها و زمین‌های متروکه کمتر بوده و زنانی که از فعالیت‌های پلیس رضایت بیشتری داشته‌اند میزان احساس ناامنی کمتر بوده است. همین‌طور نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در جامعه‌ی ایرانی نیز دختران و زنان جوان بیشتر از زنان سالمند دچار احساس ناامنی بوده‌اند و به علاوه نسبت به تعرض جنسی ترس بیشتری داشته‌اند. تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی نیز در این پژوهش با میزان احساس ناامنی

پرسشنامه به روش پیمایشی صورت گرفته است. نوع تحقیق "کاربردی- توسعه‌ای" و روش بررسی آن "توصیفی- تحلیلی" است. جامعه‌ی آماری پژوهش را ساکنان زن در منطقه‌ی ۴ تشکیل می‌دهد. اطلاعات مورد نیاز به صورت پیمایشی از طریق پرسشنامه و همچنین از مرکز آمار و نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ استخراج گردید. برای برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۱۱۲ نفر را انتخاب و همه‌ی مراحل آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفته‌اند. سپس با بررسی وضعیت مؤلفه‌ها، با بهره‌گیری از تکنیک‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، به تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های استخراج شده پرداخته شده است.

رابطه معنی‌دار داشته‌اند؛ در مورد میزان احساس ناامنی و میزان رابطه با همسایگان رابطه‌ی معنی‌داری به دست نیامد، اما بین ارزیابی زنانی که گسترش جرائم در جامعه را در حد بالایی دانسته‌اند و میزان ترس آنان رابطه‌ی معنی‌دار وجود داشت. همین‌طور ویژگی‌های فیزیکی و طراحی شهری محل سکونت با احساس ناامنی معنی‌دار گردید.

این پژوهش، درصدد آن است علاوه بر موارد بررسی شده در مطالعات قبلی، شاخص‌های مؤثر در رضایت و مطلوبیت فضاهای عمومی از دیدگاه شهروندان زن را بررسی نماید.

روش پژوهش

چارچوب نظری پژوهش از طریق روش اسنادی تهیه شده و روش پاسخ‌گویی به گویه‌ها و سؤالات

جدول ۱: معیارهای پژوهش مورد مطالعه

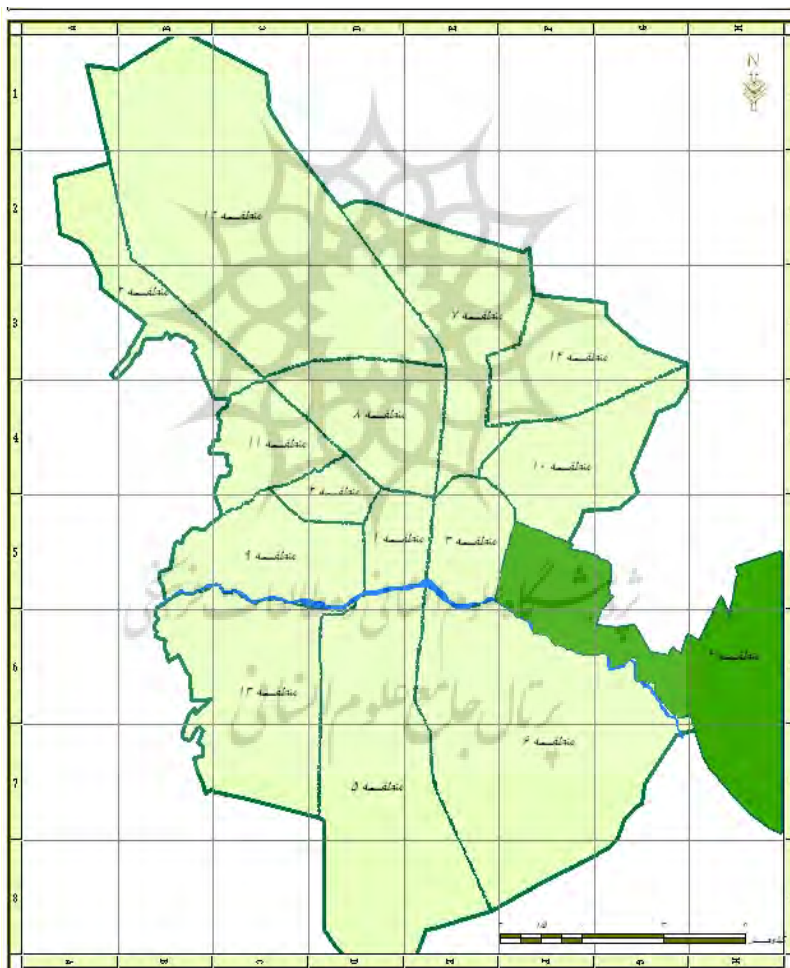
ردیف	معیارها	ردیف	معیارها
A1	امنیت محیطی (روزانه و شبانه)	A15	نور مناسب فضاهای عمومی شهر در ساعات تاریکی
A2	ایمنی	A16	دسترسی برابر زنان و مردان به فضاهای عمومی شهر
A3	پاسخ‌گویی فضاهای عمومی به نیاز استفاده‌کنندگان	A17	شرکت در انجمن‌ها و نهادهای مردمی
A4	راحتی و آسایش و سرزندگی	A18	دسترسی به فضاهای مختلف شهر با تنوعی از وسایل حمل و نقل
A5	زیبایی فضا	A19	فضای مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و اوقات فراغت
A6	پاکیزگی محیط	A20	وجود فضای مناسب برای گفتگوی شهروندان زن
A7	تنوع در کارکرد فضاهای عمومی	A21	مدیریت مشارکتی شهر
A8	مکان‌یابی مناسب مبلمان شهری	A22	حس تعلق و وابستگی به مکان
A9	امکان مشارکت در طراحی فضاهای عمومی	A23	هویت
A10	مبلمان شهری مناسب	A24	دسترسی شهروندان به مسؤولان شهری
A11	تأسیسات و تجهیزات مناسب (سرویس بهداشتی، آب‌خوری)	A25	دانش شهروندی
A12	دسترسی راحت به حمل و نقل عمومی امن	A26	فرهنگ شهروندی
A13	امکان حضور متناسب و عادلانه	A27	انگیزه برای حضور در این فضاها
A14	امکان انجام فعالیت‌های شاد و سرزنده در این فضاها		

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۳

محدوده‌ی مورد مطالعه

منطقه‌ی ۴ در شرق شهر اصفهان و در قسمت شمالی رودخانه‌ی زاینده‌رود واقع شده است. این منطقه با مساحت حدود ۱۳۴۲ هکتار از شمال از میدان احمدآباد در مسیر خیابان جی تا تقاطع خیابان همدانیان، از جنوب از پل اشکاوند در مسیر زاینده‌رود تا میدان بزرگمهر، از غرب از میدان

بزرگمهر در محور خیابان بزرگمهر تا میدان احمد آباد و شرق به اراضی کشاورزی شرق (شامل: سواردرژ تا کانال جی شیر، خیابان بدر، کلم‌خوران، زوان تا میدان مرکزی تره‌بار) محدود می‌شود (آمارنامه شهر اصفهان، ۱۳۹۰).



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی منطقه ۴ در شهر اصفهان

تهیه و ترسیم: شهرداری اصفهان، بازنگری نگارندگان، ۱۳۹۳

چارچوب نظری

مفاهیم فضاهای عمومی

فضای عمومی فضایی است که عموم مردم از هر قوم شهروندان از هر قشر، سن، نژاد و صنفی حق ورود و حضور را بدون هیچ گونه محدودیتی دارا می‌باشند و از دید بسیاری از دانشمندان، فضا عنصر جدانشدنی ساخت مادی و ساخت مندشدن زندگی اجتماعی است و این بدان معناست که نمی‌توان آن را جدا از جامعه و روابط اجتماعی فهمید (افروغ، ۱۳۷۷: ۷).

فضاهای عمومی مکان‌های مهمی هستند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در آرامش، رفاه و سطح کیفیت عمومی شهروندان تأثیرگذار می‌باشند، مفهومی که با ارائه امکانات عمومی از جمله پارک، امکانات تفریحی و خدمات اجتماعی و فرهنگی همراه است و با این اعتقاد که آنها در رفاه و آسایش ساکنان سودمند هستند. این ممکن است تأثیرات مهمی بر روی شهروندان داشته باشد تا جایی که وجود فضای عمومی را می‌توان مرتبط با عملکرد حدود فعالیت عمومی دانست (Smith-low, 2006: 14).

فضاهای عمومی نقش بسیار مهمی در توسعه پایدار شهرها دارند و اهمیت آن در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، مسائل بهداشتی و غیره در ادبیات برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. دسترسی به فضاهای عمومی، نشان‌دهنده کیفیت زندگی بوده و آثار قابل توجهی در جنبه‌های گوناگون اجتماع و شهروندان، زنده نگه‌داشتن زندگی شهری، مشارکت، تعامل اجتماعی، رفاه شهروندان و فضاهای شهری (چشم‌اندازهای زیبا، نشاط و شادابی) دارند و همچنین به عنوان مکان‌هایی سالم برای گذران اوقات فراغت شهروندان می‌باشد. این فضاها در تعیین هویت شهر و ارتقاء فرهنگ شهروندان نقش فراوانی دارند (جعفری و زهتابیان، ۱۳۸۵: ۱). در ادامه به دیدگاه اندیشمندان پرداخته می‌شود:

"لیپتون" فضای عمومی را با عنوان "اتاق زندگی بیرونی" و "مرکز تفریح و فراغت بیرون از خانه" تعریف می‌کند. فضای عمومی مکانی برای بیان تنوع، تولید یک فرآیند داد و ستد و آموزش تحمل و شکیبایی است و مفهوم شهروندی عمدتاً با تعیین کیفیت و نحوه دسترسی به آن تعریف می‌شود. چند ظرفیتی بودن، مرکزیت و کیفیت فضای عمومی بسترساز اراده‌ی کاربردهای متفاوت در آن می‌شود (Acierno & Mazza, 2009:3).

فضاهای عمومی در شهر زمینه‌ی مشارکت مردم را فراهم آورده و آنها را با هم مرتبط می‌سازند. مامفورد^۱ به همبستگی اجتماعی و ارتباطات متقابل چهره به چهره، تحرک فکر و اندیشه و اهمیت زیباشناختی فضاهای شهری تأکید دارد و ارتباطات یک جانبه و خودمحوری‌های سودجویانه را نفی می‌کند (شارع‌پور، ۱۳۸۹: ۱۹۵). براین اساس به توجه بیش از حد به فضاهای خصوصی مخالف است، زیرا در آن صورت ارزش‌های اجتماعی نادیده گرفته می‌شود و نهایتاً انسان شهرنشین هر چه بیشتر از گذشته منزوی شده و زندگی جمعی در فضاهای شهری کمرنگ می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۷۸). بنابراین شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد. روی همین اصل "هیبرت"^۳ تنها راه‌حل ممکن برای ایجاد ارتباطات عمومی را، نه روزنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، بلکه در حوزه‌ی فعالیت فضاهای همگانی می‌داند (Hebert, 2005:3). فرانسیس تیبالدز^۴ (۱۹۹۲) فضای شهری را بخشی از بافت شهری می‌داند (تیبالدز، ۱۳۸۳: ۴) که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند (پورمحمدی و کوشانه، ۱۳۹۱: ۴۳).

1-Lepton
2-Mumford
3-Hebert
4-Frances Tebaldi



شکل ۲: مفاهیم مورد تأکید نظریه پردازان در ارتباط با فضای عمومی

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۳

– فضاهای عمومی در برنامه ریزی شهری با رویکرد جنسیتی

امروزه ضرورت بازنگری در رویکردها و سیاستهای شهری، با اهداف اصلاح بنیادی نابرابری جنسیتی مورد توجه قرار گرفته است. دستیابی به این موضوع، مستلزم ایجاد تعادل و برابری در فرایند تصمیم گیری، برای اطمینان از فرصت های برابر برای زنان و مردان است (زاهدی، ۱۳۸۸: ۱۹-۱۵). جنسیت و فضای شهری موضوعی است که محققان شهری بطور عمده در مورد آن ساکت بوده اند. اندیشمندان فمینیست توافق دارند که شهر، مرد ساخته است زیرا زنان سهم اندکی در برنامه ریزی و ساخت آن داشته اند و منافع اندکی از محصور بودن در محیط مرد ساخته می برند. محیط ساخته شده بازتابنده ی فعالیت های مردان، ارزش های مردانه و گرایش های مردان به فضای سکونت است (Gottdiener, Hutchison, 2006: 148). لذا از ابزارهای اصلی در امر توسعه، مسأله ی تحلیل جنسیتی و توجه

به جنسیت در امر برنامه ریزی است، تا ضمن بررسی وضعیت زنان و نقش آنها و روابط جنسیتی موجود در جامعه، با برنامه ریزی صحیح بتوان شرایط موجود را در روند توسعه بهبود بخشید. امروزه عصر توجه برنامه ریزان به مفاهیمی چون عدالت جنسیتی است و برنامه ریزان شهری در واکنش به رهیافت های گذشته که در تعریف، تفسیر و اقدام برای برنامه ریزی، تجربه زنان در مدیریت و برنامه ریزی به خصوص در زمینه ی فضاهای عمومی را نادیده می گرفت، به شدت به ابعاد جنسیتی حساسیت نشان می دهد. مباحث جنس و جنسیت بر ادراک و کاربرد فضاهای شهری اثر می گذارد و در سطح کلان مشارکت زنان، نمادی از مشارکت عامه ی مردم در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، توزیع امکانات مختلف آموزشی، بهداشتی، الگوی اشتغال، الگوهای تربیتی و توزیع ثروت و درآمد، توزیع و توازن قدرت و بهره وری از منافع توسعه است (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۱۲۶).

۱۹۷۵، در نظر گرفتن برقراری عدالت جنسیتی و توانمندی زنان به مثابه یکی از اهداف مهم کنفرانس هزاره سوم در سال ۲۰۰۰، کنفرانس ساختن مکان‌های امن‌تر و امنیت زنان در شهرها در ۲۰۰۵ در لندن و غیره نمونه‌هایی از تغییر نگرش نسبت به زنان در عرصه‌ی جهانی و تلاش در راستای ارتقای جایگاه زنان در جامعه‌ی شهری است.

اگر نقش انسان را به عنوان محور توسعه پذیرفته باشیم، باید نقش و جایگاه زن را به عنوان بخشی از جمعیت انسانی جوامع بشری نیز پذیرا باشیم. زنان که سهمی از جمعیت را شامل می‌شوند، همچون مردان باید در این سهم دخیل و شریک باشند. اولین منشور بین‌المللی برابری حقوق زنان و مردان در سال ۱۹۴۵، برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی زنان با شعار عدالت، توسعه و صلح در مکزیکوسیتی در سال



شکل ۳: نمونه‌هایی از تغییر نگرش نسبت به زنان در عرصه‌ی جهانی و تلاش در راستای ارتقای جایگاه زنان در جامعه‌ی شهری

تهیه و ترسیم: زاهدی، ۱۳۸۸

خانواده، خرید و نظایر آن به وسیله‌ی زنان انجام می‌گیرد و از این‌رو، زنان بیشترین استفاده‌کنندگان از مراکز و فضاهای شهری هستند؛ بر همین اساس با مسائل و مشکلات شهری، نقاط ضعف و قوت‌ها، کمبودها و توانایی‌ها بطور ملموس‌تری آشنایی دارند و به همین دلایل در نظارت بر فعالیت‌های شهری و سازماندهی آنها کارآمدتر هستند. زنان نه تنها امور خانه را مدیریت می‌کنند، بلکه به دلیل تعاملات با

از آنجایی که زنان غالباً دارای روابط بیشتر و نزدیک‌تری با محیط‌های شهری خود هستند و عموماً اوقاتی را خارج از خانه و در فضاهای اجتماعی شهری سپری می‌کنند، بسیاری از وظایفی که لازمه‌ی آن تردد در محیط شهری است، مانند بردن و آوردن فرزندان به مراکز آموزشی، مراکز بهداشتی، پزشکی، رسیدگی به فعالیت‌ها و برنامه تحصیلی کودکان و اوقات فراغت آنان، تأمین و تهیه‌ی نیازهای روزمره

یکی از وظایف و عملکردهای مهم در جامعه می‌باشد. بطوری‌که توانمندی، ظرفیت‌سازی و مشارکت که از پایه‌های اصلی شهر مطلوب می‌باشند به اهمیت دانش و آگاهی در زمینه‌های متعدد تأکید فراوان دارند (Frick, 2004:18). بدین ترتیب ارتقای دانش حقوقی در مسایل شهری می‌تواند عامل مؤثری جهت رفع موانع موجود مقابل مشارکت شهروندان در امور اداره شهر باشد. به عبارت دیگر دانش حقوقی افزون بر رشد آگاهی‌های شهروندان نسبت به چگونگی اداره محیطی که در آن زندگی می‌کنند، با افزایش ظرفیت‌های فردی و جمعی، مشارکت را تسهیل کرده و زمینه‌های دستیابی به توسعه را فراهم می‌آورد (Butler, 2007: 27). از سوی دیگر افزایش دانش حقوقی می‌تواند فعالیت‌های مشارکت را ارتقاء بخشد. چراکه این دانش، دیدگاه‌ها و مهارت‌ها را در اجرای صحیح قوانین و مقررات با ظرفیت‌های مختلف به کار خواهد گرفت و جامعه‌ی انسانی را توانمند خواهد ساخت. از این رو برای عملی ساختن توانمندسازی جامعه، پیشبرد اهداف توسعه و گسترش مشارکت شهروندان، آشنایی افراد با دانش حقوقی ضروری می‌باشد (Wallner, 2003: 87). بنابراین زنان به عنوان بخشی از شهروندان شهر و از گروه‌های اصلی حاضر در عرصه عمومی و فضاهای شهری هستند. توجه به خواسته‌ها و نیازهای آنان به صورت همه‌جانبه و در تمامی حوزه‌های شهری، از جمله کالبدی، فضایی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی ضروری است.

یافته‌های پژوهش

- یافته‌های توصیفی

توجه به نیازهای زنان در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری به معنای به رسمیت شناختن و دعوت آنان به حضور در این فضاها و نهایتاً اجتماع است که می‌تواند بستری برای تأمین و امکان مشارکت برابر

محیط شهری، می‌توانند پیشنهادهای مناسبی برای رفع مشکلات شهری ارائه دهند. آنچه با عنوان نقش‌پذیری زنان مطرح شده، تأکید بر جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی و ارتباط زنان با بخش‌های کالبدی، فضایی یا فضاهای شهری، فعالیت‌های شهری، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است (Pollock and others, 1994:69).

بی‌تردید تفاوت‌های موجود میان زنان و مردان، نیازهای متفاوتی را در محیط‌های شهری ایجاد می‌کند. هرچند برنامه‌ریزی شهری تاکنون به این تفاوت‌ها بی‌توجه بوده است. معمولاً برنامه‌ریزان شهری به اقدامات مردسالارانه پرداخته‌اند و فضای شهری محصول دست آنان، همگون و بر مبنای علایق و نیازهای یکسان جهانی است. شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد زنان در محیط‌های شهری نادیده گرفته شده و یا در آنها احساس ناامنی می‌کنند. در حالی که تعداد زنان فعال در جامعه در حال افزایش است، الگوهای فضایی و رفتاری نامناسبی برای زنان در شهر وجود دارد. در شهرها، زنان در دستیابی به فضاهای عمومی با محدودیت و امنیت ضعیف فضاهای مزبور برخوردارند. حتی زنان در مکان‌های مختلف، دستیابی متفاوتی به امکانات مورد نیاز خود دارند. بازتاب این وضعیت در قالب ناراضی‌تبی زنان از سکونت در شهر جلوه گر است. اخیراً خواسته‌ها، نیازها، ارزش‌ها و حتی محدودیت‌های جسمانی و روانی زنان در جوامع مختلف، توجه برنامه‌ریزان شهری را به خود جلب کرده است. با این وجود برنامه‌ریزان شهری در بیشتر موارد با رویکرد کالبدی به حل مسائل زنان در شهر پرداخته‌اند و از توجه به سایر جنبه‌های شهری غفلت کرده‌اند (سلطانی، ۱۳۹۱: ۵۸-۵۷). در حال حاضر در جوامع مختلف، بالا بردن سطح دانش و اطلاعات عمومی در تمام زمینه‌ها از جمله حقوق فردی و قوانین شهری،

همه گروههای اجتماعی و استفاده مناسب از توان آنها تلقی شود و از آنجاکه زنان به عنوان نیمی از شهروندان شهر و از گروههای اصلی حاضر در عرصه عمومی شهر هستند، توجه به خواستها و نیازهای آنان به صورت همه جانبه و در تمامی حوزههای شهری شامل کالبدی-فضایی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی ضروری است (تاجدار و اکبری، ۱۳۸۷: ۳۰). در این پژوهش جهت بررسی میزان رضایت مندی زنان از فضاهای عمومی شهر اصفهان از دیدگاه زنان با استفاده از پرسشنامه و طرح سؤالاتی، میزان تأثیر این عوامل مورد سنجش قرار گرفته است. جدول شماره (۱)، توزیع فراوانی چگونگی ارزیابی عوامل مؤثر بر رضایت مندی زنان در

فضاهای عمومی شهری در منطقه چهار شهر اصفهان را به نمایش می گذارد. همانطور که مشاهده می شود در بین شاخصهای مورد مطالعه، زنان از برخی عوامل مانند امنیت و ایمنی، امکان مشارکت در طراحی فضاهای عمومی، شرکت در انجمنها و نهادهای مردمی، وجود فضای مناسب برای گفتگوی شهروندان زن، دسترسی شهروندان به مسؤولین شهری، مدیریت مشارکتی شهر، دانش شهروندی و فرهنگ شهروندی میزان رضایت کمی دارند. همچنین، پاسخ گویان از عوامل زیبایی فضا، پاکیزگی محیط و تنوع در کارکرد فضاهای عمومی میزان رضایت مندی بیشتری را دارا هستند.

جدول ۱: توزیع فراوانی چگونگی ارزیابی عوامل مؤثر بر رضایت مندی زنان در فضاهای عمومی منطقه چهار شهر اصفهان

ردیف	مؤلفهها	درصد فراوانی				
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	امنیت محیطی (روزانه و شبانه)	۳۱/۳	۱۴/۳	۲۴/۱	۱۲/۵	۱۷/۹
۲	ایمنی	۲۰/۵	۲۰/۵	۲۹/۵	۱۷	۱۲/۵
۳	پاسخ گویی فضاهای عمومی به نیاز استفاده کنندگان	۱۵/۲	۲۲/۳	۳۸/۴	۱۵/۲	۷/۱
۴	راحتی و آسایش و سرزندگی	۱۴/۳	۲۲/۲	۳۶/۶	۱۶/۱	۸/۹
۵	زیبایی فضا	۷/۱	۱۴/۳	۳۴/۸	۲۷/۷	۱۵/۲
۶	پاکیزگی محیط	۸/۹	۱۷	۲۶/۸	۳۳	۱۳/۴
۷	تنوع در کارکرد فضاهای عمومی	۹/۸	۲۵	۳۲/۱	۲۲/۳	۸/۹
۸	مکانیابی مناسب مبلمان شهری	۱۶/۱	۲۲/۲	۳۵/۷	۱۳/۴	۸/۹
۹	امکان مشارکت در طراحی فضاهای عمومی	۳۲/۲	۲۵	۳۲/۱	۱۳/۴	۶/۳
۱۰	مبلمان شهری مناسب	۱۷/۹	۳۲/۱	۲۳/۲	۲۰/۵	۴/۵
۱۱	تأسیسات و تجهیزات مناسب (سرویس بهداشتی، آبخوری و...)	۱۵/۲	۲۱/۴	۳۶/۶	۱۲/۵	۱۰/۷
۱۲	دسترسی راحت به حمل و نقل عمومی امن	۱۲/۵	۲۴/۱	۲۹/۵	۲۱/۴	۱۰/۷
۱۳	امکان حضور متناسب و عادلانه	۱۴/۳	۲۱/۴	۳۸/۴	۱۵/۲	۸/۹
۱۴	امکان انجام فعالیت های شاد و سرزنده در این فضاها	۱۵/۲	۳۳	۲۸/۶	۱۳/۴	۹/۸
۱۵	نور مناسب فضاهای عمومی شهر در ساعات تاریکی	۱۲/۵	۲۲/۳	۳۱/۳	۱۳/۴	۱۸/۸
۱۶	دسترسی برابر زنان و مردان به فضاهای عمومی شهر	۱۵/۲	۲۰/۵	۳۶/۶	۱۵/۲	۱۱/۶
۱۷	شرکت در انجمنها و نهادهای مردمی	۲۰/۵	۲۴/۱	۲۹/۵	۱۴/۳	۸

ادامه جدول ۱

ردیف	مؤلفه‌ها	درصد فراوانی				
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱۸	دسترسی به فضاهای مختلف شهر با تنوعی از وسایل حمل و نقل	۱۴/۳	۲۶/۸	۲۵/۹	۱۷/۹	۱۱/۶
۱۹	فضای مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و اوقات فراغت	۱۷/۹	۱۷/۹	۳۱/۳	۱۷	۱۱/۶
۲۰	وجود فضای مناسب برای گفتگوی شهروندان زن	۲۷/۷	۳۲/۱	۲۳/۲	۸	۷/۱
۲۱	مدیریت مشارکتی شهر	۳۱/۳	۳۲/۱	۲۰/۵	۵/۴	۷/۱
۲۲	حس تعلق و وابستگی به مکان	۱۸/۸	۲۶/۸	۳۲/۱	۱۳/۴	۸
۲۳	هویت	۱۴/۳	۳۲/۲	۲۶/۸	۱۷	۱۳/۴
۲۴	دسترسی شهروندان به مسؤولان شهری	۴۲	۲۰/۵	۱۹/۶	۱۲/۵	۵/۴
۲۵	دانش شهروندی	۲۷/۷	۳۳/۹	۱۷	۸/۹	۱۱/۶
۲۶	فرهنگ شهروندی	۲۷/۷	۲۴/۱	۲۴/۱	۸	۱۴/۳
۲۷	انگیزه برای حضور در این فضاها	۱۳/۴	۱۹/۶	۲۶/۸	۱۷/۹	۲۳/۳

مأخذ: داده‌های پرسشنامه، ۱۳۹۳

- تعیین شاخص‌های تأثیر گذار در فضاهای عمومی با تحلیل عاملی

تحلیل عاملی، نوعی تکنیک آماری چندمتغیره است که هدف اصلی آن خلاصه کردن داده‌ها و متغیرها است (کلاتری، ۱۳۸۰: ۷۳). با بکارگیری تحلیل عاملی می‌توان متغیرهایی را که به یکدیگر مرتبط هستند در قالب شاخص‌هایی که ابعاد اساسی ویژه‌ای را توصیف می‌کنند یا پدیده‌های ساختاری اساسی که شرایط مطالعه را منعکس می‌کنند، توصیف کرده و تعداد آن‌ها را کاهش داد. در تحلیل عاملی استدلال بر این است که هرگاه تعدادی از متغیرها موضوع مورد بررسی همبستگی داشته باشند، با یکدیگر نیز همبستگی دارند. اگر همبستگی بین متغیرها کم باشد، به نظر می‌رسد که آنها در عوامل سهمیم باشند

(Mardia et al, 1982:112).

در تحلیل‌های منطقه‌ای اگر هدف تحقیق، ترکیب و تلخیص تعدادی از مکان‌ها یا مناطق جغرافیایی و

تعیین گروه‌های همگن در سطح سرزمین باشد، از تحلیل عاملی نوع Q استفاده می‌گردد و اگر هدف، خلاصه کردن تعدادی شاخص به عوامل معنادار باشد، از تحلیل عاملی نوع R استفاده می‌گردد (دلاور، ۱۳۸۴: ۲۲۴). روش مزبور شامل مراحل، تشکیل ماتریس داده‌ها، محاسبه ماتریس همبستگی، استخراج عامل‌ها، دوران عامل‌ها و نام‌گذاری عامل‌ها می‌باشد. در این پژوهش برای شناسایی شاخص‌های ارزیابی با استفاده از تحلیل عاملی مراحل زیر انجام می‌شود:

- ۱- تشکیل ماتریس داده‌های خام (۱۷ محله در سطر و شاخص‌ها در ۲۷ شاخص در ستون)؛
- ۲- تشکیل ماتریس ضرایب همبستگی (در این مرحله ضریب همبستگی موجود بین هر کدام از متغیرها و شاخص‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه می‌شود؛
- ۳- محاسبه‌ی بارگذاری عامل‌ها؛
- ۴- تشکیل ماتریس داده‌های استاندارد؛
- ۵- استخراج عامل‌های دوران یافته و نام‌گذاری آنها.

جدول ۲: عامل‌های استخراج شده، مقادیر ویژه و درصد تبیین واریانس آنها از مجموعه‌ی شاخص‌ها
(روش استخراج: تجزیه به مؤلفه‌های اصلی)

Component	Initial Eigenvalues			Extraction Sums of Squared Loadings		
	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %
۱	۱۲/۰۱۱	۴۴/۴۸۵	۴۴/۴۸۵	۱۲/۰۱۱	۴۴/۴۸۵	۴۴/۴۸۵
۲	۲/۱۷۶	۸/۰۵۸	۵۲/۵۴۳	۲/۱۷۶	۸/۰۵۸	۵۲/۵۴۳
۳	۱/۷۹	۶/۶۳۰	۵۹/۱۷۳	۱/۷۹۰	۶/۶۳۰	۵۹/۱۷۳
۴	۱/۳۳۸	۴/۹۵۶	۶۴/۱۲۹	۱/۳۳۸	۴/۹۵۶	۶۴/۱۲۹
۵	۱/۱۸۰	۴/۳۷۲	۶۸/۵۰۱	۱/۱۸۰	۴/۳۷۲	۶۸/۵۰۱
۶	۰/۹۶۰	۳/۵۵۷	۷۲/۰۵۸			
۷	۰/۹۰۲	۳/۳۴۰	۷۵/۳۹۸			
۸	۰/۸۰۷	۲/۹۸۹	۷۸/۳۸۷			
۹	۰/۷۶۹	۲/۸۴۸	۸۱/۲۳۵			
۱۰	۰/۶۷۶	۲/۵۰۵	۸۳/۷۴۰			
۱۱	۰/۶۴۸	۲/۴۰۱	۸۶/۱۴۱			
۱۲	۰/۵۲۳	۱/۹۳۸	۸۸/۰۷۹			
۱۳	۰/۴۳۵	۱/۶۱۰	۸۹/۶۸۸			
۱۴	۰/۳۸۷	۱/۴۳۴	۹۱/۱۲۳			
۱۵	۰/۳۱۹	۱/۱۸۱	۹۲/۳۰۳			
۱۶	۰/۲۹۹	۱/۱۰۶	۹۳/۴۰۹			
۱۷	۰/۲۸۰	۱/۰۳۷	۹۴/۴۴۶			
۱۸	۰/۲۲۶	۰/۸۳۵	۹۵/۲۸۲			
۱۹	۰/۲۲۵	۰/۸۳۲	۹۶/۱۱۴			
۲۰	۰/۲۱۴	۰/۷۹۱	۹۶/۹۰۵			
۲۱	۰/۱۸۶	۰/۶۹۰	۹۷/۵۹۵			
۲۲	۰/۱۵۲	۰/۵۶۱	۹۸/۱۵۶			
۲۳	۰/۱۳۸	۰/۵۱۰	۹۸/۶۶۶			
۲۴	۰/۱۲۳	۰/۴۵۵	۹۹/۱۲۱			
۲۵	۰/۰۹۹	۰/۳۶۸	۹۹/۴۸۸			
۲۶	۰/۰۷۸	۰/۲۸۹	۹۹/۷۷۷			
۲۷	۰/۰۶۰	۰/۲۲۳	۱۰۰/۰۰۰			

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۳

ویژه بالای ۱ بوده و جمعاً ۶۸/۵۰ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند. این درصد در تحلیل عاملی قابل قبول بوده و به واسطه‌ی آن می‌توان نسبت به مناسب بودن

بر این اساس، همان‌طور که از جدول شماره (۲) استنباط می‌گردد، حداکثر تعداد ۵ عامل از ۲۷ شاخص فوق استخراج گردید که همگی دارای مقادیر

مشارکت در طراحی فضاهای عمومی، مبلمان شهری مناسب، دسترسی راحت به حمل و نقل عمومی امن، شرکت در انجمن‌ها و نهادهای مردمی، تنوع در کارکرد فضاهای عمومی، وجود فضای مناسب برای گفتگوی شهروندان زن و مدیریت مشارکتی شهر دارای همبستگی مثبت و بالایی است.

– **عامل دوم:** در این عامل ۶ شاخص بارگذاری شده است که مقدار ویژه‌ی این عامل ۲/۱۷ می‌باشد که ۸/۰۵ درصد از واریانس را در برمی‌گیرد. مؤلفه‌هایی که در عامل دوم بارگذاری شده‌اند عبارتند از: امکان انجام فعالیت‌های شاد و سرزنده در این فضاها، فضای مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و اوقات فراغت، دسترسی شهروندان به مسؤولین شهری، دانش شهروندی، فرهنگ شهروندی و انگیزه برای حضور در این فضاها می‌باشد.

– **عامل سوم:** مقدار ویژه این عامل ۱/۷۹ می‌باشد که ۶/۶۳ درصد از واریانس را در برمی‌گیرد. در این عامل امنیت محیطی (روزانه و شبانه)، ایمنی، پاسخ‌گویی فضاهای عمومی به نیاز استفاده‌کنندگان و راحتی و آسایش و سرزندگی فضاهای عمومی می‌باشد.

– **عامل چهارم:** مقدار ویژه این عامل ۱/۳۳ می‌باشد که ۴/۹۵ درصد از واریانس را در برمی‌گیرد. تعداد متغیرهایی که در چهارمین عامل بارگذاری شده است کمتر از متغیرهای بارگذاری شده در هر یک از سه عامل قبل می‌باشد و همچنین میزان همبستگی آنها نیز کمتر می‌باشد. که مولفه‌های این عامل حس تعلق و وابستگی به مکان و هویت می‌باشد.

– **عامل پنجم:** مقدار ویژه این عامل ۱/۱۸ می‌باشد که ۴/۳۷ درصد از واریانس را در برمی‌گیرد. مؤلفه‌ها در این عامل زیبایی فضا، پاکیزگی محیط و تنوع در کارکرد فضاهای عمومی می‌باشد.

متغیرهای انتخاب شده برای تحلیل عاملی نیز اطمینان حاصل کرد. مقادیر ویژه، اهمیت اکتشافی عامل‌ها را در ارتباط با متغیرها نشان می‌دهند و پایین بودن این مقدار برای یک عامل بدین معناست که عامل مذکور تأثیر بسار کمی در تبیین واریانس متغیرها داشته است و به همین دلیل نیز قابل اغماض بوده و از تحلیل کنار گذاشته می‌شوند. لذا در تحلیل نهایی عواملی که مقادیر ویژه ۱ و بالاتر داشته باشند مورد استفاده قرار می‌گیرند. اولین عدد مهمترین عامل می‌باشد که با مقدار ویژه ۱۲/۰۱ به تنهایی ۴۴/۴۸ درصد از واریانس را تشکیل می‌دهد. مؤلفه‌های دوم تا پنجم به ترتیب مقادیر ۲/۱۷، ۱/۷۹، ۱/۳۳ و ۱/۱۸ درصد از واریانس را تبیین و محاسبه می‌کنند. که پنجمین عامل با ۱/۱۸ درصد کمترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند.

پس از استخراج مؤلفه‌های اصلی، مرحله دوران عامل‌ها مطرح می‌باشد. که برای دوران عامل‌ها از چرخش واریماکس استفاده شده است. حاصل این چرخش، ماتریس عاملی دوران یافته است که وزنی را برای هر عامل در مقابل شاخص مربوطه مشخص نموده. این ضرایب بسیار اهمیت دارد و بدین صورت شاخص‌های بارگذاری در هر عامل که بالای ۰/۵ هستند یک عامل را شامل می‌شوند، لذا این تجمع به صورت ارتباط مثبت تجلی می‌یابد.

پس از تهیه‌ی ماتریس عاملی دوران یافته، لازم به نام‌گذاری عامل‌های استخراجی است، که با توجه به میزان همبستگی هر یک از شاخص‌های بارگذاری شده در عامل‌ها می‌توان عناوین مناسب را تعیین نمود (جدول شماره ۳).

– **عامل اول:** مقدار ویژه این عامل ۱۲/۰۱ می‌باشد که به تنهایی ۴۴/۴۸ درصد از واریانس را در برمی‌گیرد و بیشترین تأثیر را در بین پنج عامل مؤثر دارد. عامل اول به عنوان مهمترین عامل است که با مؤلفه‌هایی همچون مکان یابی مناسب مبلمان شهری، امکان

جدول ۴: اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی در فضاهای عمومی از دیدگاه زنان منطقه‌ی مورد مطالعه از روش تحلیل عاملی

نام عامل	مؤلفه‌های تأثیرگذار حقوق شهروندی در فضاهای عمومی	ضریب همبستگی	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس
عامل اول:	مکان‌یابی مناسب مبلمان شهری امکان مشارکت در طراحی فضاهای عمومی مبلمان شهری مناسب دسترسی راحت به حمل و نقل عمومی امن شرکت در انجمن‌ها و نهادهای مردمی تنوع در کارکرد فضاهای عمومی وجود فضای مناسب برای گفتگوی شهروندان زن مدیریت مشارکتی شهر	۰/۵۲۴ ۰/۷۱۴ ۰/۶۷۷ ۰/۷۲۵ ۰/۶۱۵ ۰/۷۲۵ ۰/۶۰۹ ۰/۵۸۹	۱۲/۰۱	۴۴/۴۸	۴۴/۴۸
عامل دوم:	امکان انجام فعالیت‌های شاد و سرزنده در این فضاها فضای مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و اوقات فراغت دسترسی شهروندان به مسئولین شهری دانش شهروندی فرهنگ شهروندی انگیزه برای حضور در این فضاها	۰/۵۴۲ ۰/۵۶۲ ۰/۵۶۴ ۰/۷۲۸ ۰/۸۰۴ ۰/۷۸۲	۲/۱۷	۸/۰۵	۵۲/۵۴
عامل سوم:	امنیت محیطی (روزانه و شبانه) ایمنی پاسخگویی فضاهای عمومی به نیاز استفاده‌کنندگان راحتی و آسایش و سرزندگی	۰/۸۷۶ ۰/۸۱۹ ۰/۶۲۱ ۰/۷۲۱	۱/۷۹	۶/۶۳	۵۹/۱۷
عامل چهارم:	حس تعلق و وابستگی به مکان هویت	۰/۸۱۴ ۰/۵۹۷	۱/۳۳	۴/۹۵	۶۴/۱۲
عامل پنجم:	زیبایی فضا پاکیزگی محیط تنوع در کارکرد فضاهای عمومی	۰/۸۰۶ ۰/۸۲۷ ۰/۷۰۷	۱/۱۸	۴/۳۷	۶۸/۵۰

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۳

نتیجه

شهری حاصل شود. و هر چه فضاهای عمومی در سطح مناطق شهری از کیفیت و مطلوبیت بیشتر و بالاتری برخوردار باشد، زمینه برای انجام تعاملات اجتماعی در پی انجام فعالیت‌های جمعی از قبیل دیدار، گپ و گفتگو، بازی، ورزش و غیره که پیشتر اشاره شد، فراهم شده و فضاهای مذکور در نتیجه‌ی فعالیت‌های فوق ضمن تبدیل شدن به مکان، واجد ویژگی سرزندگی و حیات مدنی می‌شود. مطابق یافته‌های این تحقیق، کیفیت محیط کالبدی برای جذب افراد وابسته به وجود فاکتورهایی است که تحقق هر یک از آنها نیز در

فضاهای عمومی از جمله متغیرهای مهمی است که بر رضایت شهروندان تأثیرگذار می‌باشد. در پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن شاخص‌هایی که به نوعی معرف عملکرد موفق فضاهای عمومی بوده‌اند، این نتیجه را در بردارد که در برنامه‌ریزی شهری برای دستیابی به محیط‌های شهری انسانی‌تر باید به حضور گروه‌های جنسی (زنان) به عنوان بخشی از گروه‌های خاص اجتماعی در فضاهای عمومی شهری توجه داشت تا عدالت جنسیتی برقرار شده و باز تولید فرهنگی

- ایجاد فضاهای امن و راحت برای گروه‌های مختلف سنی و جنسی و همچنین فعالیت‌های فردی و اجتماعی.

- توسعه‌ی فضاهای متناسب جهت تفکیک حریم‌ها و مشخص نمودن عرصه‌های زندگی در مقیاس‌های خصوصی، نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی.

- طراحی فضاهای کالبدی جهت ارتقاء برخوردهای اجتماعی و روابط همجواری و همسایگی.

- به‌وجود آوردن فضاهای شهری سرشار از زندگی، حرکت و پویایی.

- ایجاد عناصر و اجزای داخل مجموعه به نحوی که یک احساس تعلق، وحدت هویت و شناسایی و تشخیص بصری مجموعه و ایجاد فضاهایی با هویت و آشنا شرکت مؤثر داشته باشند.

- ایجاد مجموعه و فضاهای زندگی با دارا بودن حداکثر تنوع، هم‌نوایی و گوناگونی، زیبایی و تداوم بصری چشم‌اندازها.

- جلوگیری از تکرار فضاهای یکنواخت در طراحی‌های شهری.

- اولویت دادن به حرکت پیاده در مراکز خدماتی جهت تأمین حرکت آزاد عابران پیاده با ایمنی و آرامش کامل.

- ایجاد مبلمان از جمله نور کافی در فضاهایی که محل عبور و تردد عابر پیاده است، بطوری که عابران در شب هم امکان استفاده از فضا را داشته باشند.

گروه عوامل متعددی می‌باشد که بخشی از این عوامل به ساختار کالبدی محیط مثل تنوع و سازگاری کاربری‌ها، ایمنی، امنیت، تراکم و ظرفیت مناسب مرتبط است. در این راستا، این مقاله درصدد آن بوده است تا معیارها و عواملی را که در ایجاد و افزایش رضایت و مطلوبیت شهروندان زن از فضاهای عمومی شهری مؤثرند عنوان نموده و مورد تحلیل قرار دهد. جهت مشخص نمودن مهمترین عوامل تأثیرگذار در میزان رضایت‌مندی از تحلیل عاملی استفاده شده است. بر اساس این نتایج، تعداد ۵ عامل از ۲۷ شاخص فوق استخراج گردید که همگی دارای مقادیر ویژه بالای ۱ بوده و جمعاً ۶۸/۵۰ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند. اولین عامل با مقدار ویژه ۱۲/۰۱ به تنهایی ۴۴/۴۸ درصد از واریانس را تشکیل می‌دهد. عامل دوم تا پنجم به ترتیب مقادیر ۲/۱۷، ۱/۷۹، ۱/۳۳ و ۱/۱۸ درصد از واریانس را تبیین و محاسبه می‌کنند. که پنجمین عامل با ۱/۱۸ درصد کمترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به نتایج به دست آمده چنین برمی‌آید که مؤلفه‌های امنیت محیطی (روزانه و شبانه) با ضریب همبستگی ۰/۸۷۶، ایمنی با ضریب ۰/۸۱۹، پاکیزگی محیط با ۰/۸۲۷، حس تعلق و وابستگی به مکان با ضریب ۰/۸۱۴ و زیبایی فضا ۰/۸۰۶ مؤثرترین عوامل در میزان رضایت‌مندی در فضاهای عمومی شهر از دیدگاه زنان می‌باشد و به عنوان مهمترین عوامل تأثیرگذار بر رضایت‌مندی و مطلوبیت شناسایی شدند. در نهایت در ارتباط با موضوع عوامل زیر پیشنهاد می‌گردد؛

- ایجاد و توسعه‌ی فضاهای عمومی متناسب با پایگاه اجتماعی و اقتصادی شهروندان.

منابع

- استانداری اصفهان (۱۳۹۰). آمارنامه شهر اصفهان.
- افروغ، عماد (۱۳۷۷). فضا و نابرابری اجتماعی: الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن، چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی. چاپ اول.
- پورمحمدی، محمدرضا؛ روشن کوشانه (۱۳۹۱). ارزیابی و تحلیل فضاهای عمومی شهری با استفاده از مدل تاپسیس (مطالعه موردی: شهر تبریز)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. سال پنجم. شماره هفدهم. صفحات ۵۲-۳۷.
- تاجدار، وحید؛ مصطفی اکبری (۱۳۸۷). زنان و حکمروایی خوب شهر، جستارهای شهرسازی، شماره ۲۴ و ۲۵. صفحه ۳۰.
- تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳). شهرسازی شهروندگرا؛ ارتقاء عرصه‌های همگانی در شهرها و محیط‌های شهری، ترجمه محمد احمدی‌نژاد. چاپ اول. اصفهان. نشر خاک.
- سیفایی، مهسا (۱۳۸۴). مطلوبیت‌سنجی استفاده از فضاهای عمومی با تأکید بر برنامه‌ریزی مشارکتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- رضازاده، راضیه؛ مریم محمدی (۱۳۸۷). طراحی فضای محله‌ای با تکیه بر رویکرد عدالت جنسیتی و چارچوب اصول اخلاقی مراقبتی، فصلنامه هنر. سال اول. شماره ۲. صفحات ۷۲-۵۵.
- رفیعیان، مجتبی؛ زهرا خدائی (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، علوم سیاسی؛ راهبرد، شماره ۵۳. از ۲۲۷ تا ۲۴۸.
- دل‌اور، علی (۱۳۸۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و علوم اجتماعی، تهران: انتشارات رشد.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای-تئوری‌ها و تکنیک‌ها، تهران: انتشارات خوشبین.
- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۸). زنان در عرصه مدیریت، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سلطانی، لیلا (۱۳۹۱). تحلیل فضایی بهره‌مندی زنان از شاخص‌های توسعه‌ی شهری (مطالعه‌ی موردی: شهر اصفهان)، رساله دکتری. استاد راهنما: دکتر علی زنگی‌آبادی. استاد مشاور: مهین نسترن. دانشگاه اصفهان. دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی شهری.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی شهری، چاپ سوم. تهران: انتشارات سمت.
- علیخواه، فردین؛ مریم نجیبی‌ربیعی (۱۳۸۵). زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ششم. شماره ۲۲.
- کیانی، اکبر؛ فرضعلی سالاری‌سردری (۱۳۹۲). ارزیابی قابلیت دسترسی و کاربرد بهینه فضاهای عمومی در شهر ساحلی عسلویه، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی. دوره ۴۵. شماره ۲. صفحات ۶۸-۵۱.
- جعفری، مسعود؛ شادی زهتابیان (۱۳۸۵). خلق و توسعه فضای شهری، اولین همایش بین‌المللی شهر برتر. طرح برتر. همدان.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹). طراحی فضاهای شهری نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی مکانی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوصی شهر، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهرداری شهر تهران. چاپ اول. تهران.

- Pollock.S.M ,TheUniversity of Michigan, Ann Arbor,MI,USA_M.H.Rothkopf,RutgersUniversity, New Brunswick, NJ, USA_A. Barnett, Sloan School of Management, MIT, Cambridge, MA, USA (1994). Handbooks in Operations Research and Management Science,Operations Research and the Public Sector North-Holland, Elsevier.
- Tabrizia, R. L & A. Madanipour (2006). "Crime and the City: Domestic Burglary and the Built Environment in Tehran". Habitat International. Vol. 30. Issue 4. PP: 932-944.
- Smith,N,Low,S(2006). Introduction:the imperative of public space.in S. M. Low, N. Smith (Eds.), the politics of public space(16-1). NewYork: routledge
- Wallner,S, Hunziker, M (2003). Do natural science experiments influence public attitudes towards environmental problems, Global environmental change, 13, PP:185-194.
- Acierno A & Mazza A (2009).Urban Safety and Public Spaces: The Case of Naples, www.cityfutures.com.
- Butler, et al (2007). A Theoretical model and framework for understanding Knowledge Management System Implementation, Journal of Organizational and End User Computing, Vol.19, No.4.
- Day, K., C. Stump & D. Carreon (2003). "Confrontation and loss of control: Masculinity and men's fear in public space". Journal of Environmental Psychology. Vol. 23.PP:311-322.
- Gottdiener M .and Hutchison, R (2006).The new urban sociology3 RD et, Bulder,Colo:West view press.
- Hiebert, E (2005). Commentary: new technologies, public relations, and democracy public Relations Review 1-9.
- Mardia K.R,J.T.Kent and J. M.Bibby (1982). Multivariate Analysis, Published by Academic Press INC,United State.
- Frick, J, Kaiser, Wilson (2004). Environmental knowledge and conservation behavior: Exploring prevalence and structure in a representative sample, Personality and Individual Differences, 37, PP: 1-27.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی